

## نقش کنسولگری انگلیس در پیشرفت پزشکی نوین در مشهد (۱۳۴۶-۱۳۰۶ق.)

### ◆ چکیده

دو کشور روس و انگلیس، به سبب موقعیت استراتژیک خراسان، از جمله همسایگی با روسیه در نقاط مختلف این منطقه پهناور کنسولگری داشتند و مرکز فعالیت آنها در مشهد بود. پس از گشایش کنسولگری انگلستان در مشهد، تأسیس درمانگاه و مداوای بیماران توجه مأموران کنسولگری را جلب کرد. در این مقاله زمینه‌های توجه انگلستان به این موضوع بررسی می‌شود و اینکه فعالیت‌های پزشکان درمانگاه کنسولگری انگلستان تا چه حد در پزشکی نوین شهر مشهد اهمیت داشته است. حضور جراحان و پزشکان انگلیسی در گسترش امور بهداشتی و پیشرفت پزشکی در مشهد مؤثر بوده است. در این مقاله ضمن بررسی وضعیت بهداشت مشهد، به زمینه‌های تأسیس کنسولگری انگلستان و گزارش‌های پزشکی آنها اشاره خواهد شد.

### • واژگان کلیدی:

کنسولگری انگلیس، مشهد، پزشکی نوین

---

## مقدمه

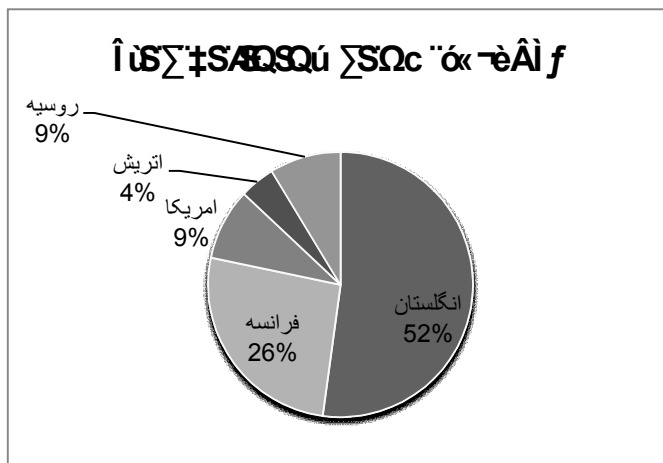
در دوره قاجاریه، پزشکان انگلیسی در مراکز مختلفی چون کنسولگری‌ها، اداره تلگراف هند و اروپا، شرکت نفت انگلیس و ایران حضور می‌یافتند و به طبابت و گاه امور سیاسی مشغول می‌شدند. پزشکان در این مراکز با طبقات و اقشار مختلف مردم، از بزرگان شهر و منطقه گرفته تا مردم عادی، ارتباط داشتند و اخبار و شایعات و اطلاعاتی که گردآوری می‌کردند، بسیار ارزشمند و مؤثر بود و بسا که موجب تغییرات در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سطح جامعه می‌شد.

به تدریج با گشایش و گسترش کنسولگری‌های انگلستان در نقاط ایران، پزشکان انگلیسی نیز در آنجا مستقر می‌شدند. اکثر کنسولگری‌ها درمانگاه و بیمارستان داشتند و بیماران از نواحی دور و نزدیک به آنجا مراجعه می‌کردند. مأموران کنسولگری‌ها هنگام مسافرت در ایران، پزشکی را نیز با خود همراه می‌بردند تا در طول سفر، به بیماری‌های مردم شهرهای سر راه رسیدگی کنند. تأثیر مثبت همین خدمات پزشکی در سال ۱۳۲۲ ق. / ۱۹۰۴ م. زمینه را برای سفر هیئت بازرگانی حکومت هندوستان به جنوب ایران فراهم آورد. از آن پس پیشنهاد شد تا در همه کنسولگری‌ها درمانگاه تأسیس و در آنجا پزشک مستقر شود، زیرا این امر در گسترش و توسعه بازرگانی تأثیر بسیار داشت (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۸).

شمار پزشکان خارجی در دربار تأمل برانگیز است، زیرا از ۲۳ پزشک خارجی (هاشمیان، ۱۳۸۳: ۳۴) مقیم دربار قاجار، سهم انگلستان<sup>۱</sup> ۵۲ درصد است؛ یعنی ۱۲ نفر از پزشکان دربار قاجار انگلیسی بوده‌اند. در میان دومین گروه پزشکان خارجی که سهمی در مداوای درباریان قاجاری داشته‌اند، باید از پزشکان فرانسوی نام برد: دکتر لایا،

<sup>۱</sup> دکتر مک نیل، کرومیک، گریفیت، کلارک، بل، ریاک، دیکسون، لنوف لیندلی، ادکوک، نایلگان، اسکت و ادلینگ

کلوکه، تولوزان، فوریه<sup>۱</sup>، شنایدر و کوپن که ۲۶ درصد از مجموع پزشکان خارجی بوده‌اند. دکتر کاله و سادوفسکی از پزشکان روسی دربار شمرده می‌شدند و سهم پزشکان آمریکایی ۲ نفر و ۹ درصد بود.



در آغاز مردم به پزشکان خارجی چندان اعتماد نداشتند و همچنان بیشتر به شکل تجربی و سنتی به مداوا می‌پرداختند (فوریه، 1388: 411)، اما به مرور زمان فعالیت‌های اطباء خارجی موجب شد تا مردم از مداوای آنها استقبال کنند. به نوشته جیمز موریه<sup>۲</sup> در سال 1225 ق. / 1810 م.:

"منشی باشی ایرانی از مدت‌ها پیش تب کرده و به حال مرگ افتاده بود. در شش روز او شش بار دچار خونریزی شده بود. این مردم اعتقاد به طبابت ما ندارند و از این رو

<sup>۱</sup> فوریه (1842-1895) در دومین مسافرت ناصرالدین شاه به اروپا در سمت پزشک دربار به ایران آمد و خاطرات خود را در کتاب سه سال در دربار ایران نوشت. این کتاب یکی از منابع مهم دربارهٔ اوضاع ایران در دوران ناصری است. ژوآنس (1388). سه سال در دربار ایران: خاطرات دکتر فوریه پزشک ویژه ناصرالدین شاه قاجار، ترجمه: عباس اقبال آشتیانی، تهران: نوین.

<sup>۲</sup> جیمز موریه (۱۸۴۹-۱۷۸۰ م.)، نویسنده و دیپلمات انگلیسی.

نمی‌گذاشتند پزشک هیئت معاینه‌اش کند. سرانجام بر اثر فالی که از حافظ گرفت و در آن گفته شده بود به غریبه اعتماد کند، بدان راضی شد" (رایت، ۱۳۸۳: ۱۶۹).

دکتر جان ویشارد پزشک مخصوص ناصرالدین شاه نیز، شرحی از وضعیت پزشکان خارجی و عقیده افسار مختلف مردم را نسبت به آنها به دست آورده است: «ما انگیزه‌ای جز خدمت و نوع دوستی نداشتیم. تمامی آن انتقادها و ایرادها بدل به گرم‌ترین و صمیمانه‌ترین قدردانی‌ها و تشکرات شده است» (نورایی، ۱۳۸۶: ۷۳).

آیا مراکز درمانی کنسولگری‌ها در پیشرفت پزشکی مؤثر بودند؟ به نظر ادوارد سعید مؤسسات اولیه میسیون‌های مذهبی، مانند چاپخانه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها، سهمی در پیشرفت و رفاه آن مناطق داشتند (سعید، ۱۳۷۷: ۱۴۸). در این باره نظرات متفاوت است، اما آنچه مسلم است این است که، حضور و آمد و شد این هیأت‌ها و پزشکان در توسعه و بهبود وضع بهداشت و درمان و آشنایی مردم با پزشکی نوین بی اثر نبود و در بنیان‌گذاری مراکز بهداشتی و درمانی و تأسیس بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها نقش داشت (نامجوی نیک، ۱۳۸۸: ۸۳). کتاب ارزشمند **تاریخ پزشکی ایران**، نوشته سیریل الگود انگلیسی، در باره نقش و تأثیر مثبت انگلیسی‌ها در توسعه بهداشت ایران توأم با اغراق‌گویی‌های فراوان است (گنج بخش زمانی، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

وضع بهداشت جامعه ایران در دوره قاجار آن قدر فلاکت بار بود که از هر ۱۰ کودک فقط ۳ نفر به سه سالگی می‌رسیدند. برای مردم مداوای امراض فراگیری چون وبا، آبله، تب نوبه، اسهال و خناق (دیفتری) در اولویت بود (محمدی، ۱۳۸۸: ۲).

انگلستان از نقش افکار عمومی مردم ایران غافل نبود و سیاستمداران انگلیسی می‌کوشیدند در دربار و در نظر مردم ایران وجهه خوبی داشته باشند و به همین منظور از پزشکان و خدمات پزشکی آنها استفاده می‌کردند (محمدی، ۱۳۸۸: ۵). در باره

کنسولگری انگلستان در مشهد تاکنون تحقیق جامعی انجام نشده است، اما از لابه لای خاطرات و آثار سیاحان و گزارش‌های مأموران سیاسی کنسولگری انگلستان، می‌توان به موضوع پزشکی و اهمیت آن پی برد.

### کنسولگری انگلستان

انگلستان، در اواخر قرن نوزدهم موفق شد در شهر مشهد کنسولگری تأسیس کند. اولین سرکنسول انگلیس در مشهد چارلز اسمیت مک لین از اول فوریه 1889 تا چهاردهم دسامبر 1891م سرکنسول انگلیس در مشهد بود (رابینو، 1363: 07؛ اخوان توکلی، 1386: 66). مهم‌ترین وظایف سرکنسول انگلیس در مشهد عبارت بود از:

1. حل مشکلات هزاران زائر هندی که برای زیارت به مشهد می‌آمدند.
  2. تهیه گزارش بازرگانی سالیانه.
  3. ایفای نقش رابط میان حکومت‌های هرات و مشهد (رایت، 1383: 117).
- همچنین نخستین و فوری‌ترین وظیفه کنسول انگلیس در مشهد، گردآوری اطلاعات در باره فعالیت روس‌ها در ماوراءالنهر و زیرنظر گرفتن رفت و آمد روس‌ها به هند بود (وین، 1383: 171).

سر چارلز ادوارد بیت (متولد 1849م.)، که در ژوئیه سال 1893م. نخست کفیل کنسولگری مشهد بود و از سپتامبر 1896 تا دهم فوریه 1897م مقام کنسولگری را برعهده گرفت، محل کنسولگری انگلیس در مشهد را چنین وصف کرده است:

"محل کنسولگری بریتانیا واقع در گوشه جنوب غربی شهر (مشهد) بود. محلی که برای اقامت من در نظر گرفته شده بود نزدیک به شش جریب مساحت داشت و دور تا دور آن را دیوارهای بلندی احاطه کرده بود که در وسط آن ساختمان بزرگ کنسولگری

که مربع شکل و به رنگ سفید بود در دو طبقه قرارداد داشت ... در پشت اداره کنسولگری اصطبل‌ها و منزل معاون کنسول قرار گرفته بود. سرانجام در گوشه‌ای از باغ که هنوز جای خالی بود منزلی نیز برای اقامت دکتر ساخته شد. بدین ترتیب کنسولگری محل اقامت افراد شد و تسهیلات مورد نیاز همگی در یک جا جمع گردید و شرایط خیلی بهتری در مقایسه با گذشته- که هر یک از این واحدها در قسمتی از شهر به طور پراکنده قرار داشتند- فراهم آمد» (ییت، ۱۳۶۵: ۴۵-۴۴).

اغلب کنسولگری‌ها درمانگاه خیریه داشتند و ایرانیان از دور و نزدیک به آنجا هجوم می‌آوردند تا به دست پزشکان هندی رایگان معالجه شوند (رایت، ۱۳۸۳: ۱۷۳).

### درمانگاه کنسولگری

فعالیت‌های پزشکان خارجی را می‌توان در دو موضوع مذهبی و سیاسی بررسی کرد. نیازمندی جامعه ایران به پزشکان خارجی موجب گسترش روابط آنها، به ویژه میسیونرهای مذهبی با گروه‌های مختلف مردم می‌شد و از سوی دیگر، علاقه‌مندی مردم به این پزشکان زمینه مساعدی برای همراهی مقامات سیاسی ایران با آنها ایجاد می‌کرد. برای میسیونرهای بریتانیا چنین وضعی، اقدامات آنها را در کار بهداشت تسهیل کرد. آنها در تأسیس بیمارستان‌های بزرگ در شهرهایی با بافت کم و بیش سنتی توفیق یافتند. این حرکت در برخی از شهرها موجب شد که خیران محلی نیز بیمارستان‌های مشابه تأسیس کنند. در سال ۱۳۲۵ق. / ۱۹۰۷م. در اصفهان بیمارستان کوچکی در محل بیمارستان خورشید کنونی بنا گردید. بنا به نوشته‌ای در روزنامه جهاد اکبر: «منظور آن بود که مسلمانان بیمار از قید استعلاج از کفار رهایی یافته مستخلص شوند.» بازتاب چنین انگیزه‌ای موجب شد که کنسولگری‌های مختلف در جوار فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی به مسائل پزشکی

نیز پردازند. در مشهد بیماران در درمانگاه انگلیسی مداوا می‌شدند و در بخشی از این درمانگاه پزشکان جراحی نیز می‌کردند. این درمانگاه، که در اواخر قرن نوزدهم تأسیس شده بود، در اواخر دهه اول قرن بیستم گسترش یافت و اقدامات آن در زمینه بهداشت و درمان اهالی مشهد گسترده بود (نورایی، 1386: 74-73).

از اوایل قرن نوزدهم (1251ق. / 1825م.) اعزام هیئت‌های مذهبی موجب ورود عناصر خارجی در مسائل خرد و کلان بهداشت کشور گردید، زیرا میسیونرهای مذهبی، افزون بر فعالیت در عرصه‌های مذهبی و آموزشی، در حیطه بهداشت و پزشکی نیز فعال بودند (نورایی، 1386: 73).

با ورود مبلغان مذهبی انگلیسی، با هدف نشر مسیحیت و استقرار آنها در مناطق ارمنی نشین، پزشکان انگلیسی هم به ایران آمدند. به نوشته سر دنیس رایت: «ورود دایمی مبلغان زن و مرد، از جمله پزشکان و پرستاران، آغاز شد. مقارن سال 1896م. هفده تن از آنان در جلفا بودند و در محوطه وسیع هیئت مرسلین - که شامل کلیسا، داروخانه، بیمارستان و کتابخانه و همچنین مدرسه‌های پسرانه و دخترانه بود - زندگی می‌کردند» (رایت، 1383: 163).

در اواخر قرن نوزدهم شهر مشهد چهار درمانگاه خیریه عمومی داشت:

1. درمانگاه جنرال کنسولی بریتانیا.
2. درمانگاه جنرال کنسولی روسیه.
3. درمانگاه بانک روس.
4. درمانگاه حرم مطهر (دارالشفاء).

از میان آنها، فقط درمانگاه‌های بریتانیا و دارالشفای حرم مطهر امکانات مناسبی برای بستری بیماران داشت (خادمیان، 1380: 965). قبل از تأسیس درمانگاه کنسولگری بریتانیا در مشهد، پزشکان انگلیسی به این شهر وارد شده بودند، از جمله

دکتر دولماژ<sup>۱</sup> پزشک انگلیسی که در ۱۸۵۹م. به مشهد آمد (الگود، ۲۵۳۶: ۵۶۴). گروه سیاح آلمانی که مقارن انقلاب مشروطیت به ایران آمده بود، از بیمارستان انگلیسی‌ها در مشهد یاد کرده است (گروه، ۱۳۶۹: ۳۲۳).

انگلیسی‌ها بخشی از سیاست‌های خود را در مشهد با اقدامات عام‌المنفعه مثل «درمانگاه جنرال کنسولگری بریتانیا» پیگیری می‌کردند. این درمانگاه بنا بر ادعای انگلیسی‌ها در ارائه خدمات به مردم با دارالشفای آستان قدس رضوی رقابت می‌کرد و امکانات مناسبی برای بستری و مداوای رایگان بیماران داشت و گفته‌اند که هر سال نزدیک ۶ هزار به آنجا مراجعه می‌کردند (متولی حقیقی، ۱۳۹۰: ۱۱).

آنتونی وین در مقایسه میان درمانگاه انگلستان با دارالشفاء نوشته است: «آستان قدس که اصولاً مؤسسه‌ای خیریه است، هیچ چیز قابل مقایسه‌ای نسبت به درمانگاه انگلستان عرضه نمی‌کرد» (وین، ۱۳۸۳: ۱۷۸). در سندی به تاریخ ۲۸ شهر شعبان ۱۳۳۱ق. به ارتباط میان این دو درمانگاه اشاره شده است. در این سند، گزارشی به وزارت اوقاف و معارف در مورد دیدار پزشکان بیمارستان انگلیسی از دارالشفاء آمده است:

مقام منیع وزارت جلیله معارف و اوقاف دامت شوکته

یوم ۲۶ شهر جاری دو نفر دکتر از مریض خانه انگلیسی برای بازدید دارالشفاء مبارکه آمدند و به خوبی اوضاع و اسباب و مرضای آنجا را ملاحظه و تفتیش و از آن‌ها پذیرایی به قاعده هم شد. مؤید الوزرا (سازمان اسناد ملی ایران، شماره ردیف ۲۵۰۰۰۰۸۸۵ / مرکز اسناد آستان قدس، شماره اموالی ۵۳۱۷۴/۲).

<sup>۱</sup> وی در سال ۱۸۵۹ م. به عنوان سیاح وارد ایران شد و به تدریج بر زبان فارسی تسلط یافت. او در مدرسه طب تقاضای کار کرد و تقاضایش را پذیرفتند، سپس به مشهد رفت و در آنجا به سبب شرکت در معاملات پوست و چرم، به مشکلات مالی گرفتار شد.



درمانگاه انگلیسی‌ها رو به روی باغ ملی در کوچه کنسولگری بود<sup>۱</sup>. کلنل بیت که در سال 1896م. در مشهد بود، وضعیت درمانگاه کنسولگری انگلستان و بیمارانی که وارد این بیمارستان می‌شدند را چنین توصیف کرده است:

«پای یک دزد معروف و شریک وی را از قوزک قطع کردند تا دیگر به اعمال نامشروع اقدام نکنند. انگشتان مرد دیگری هم به اتهام مشابه از بند آخر قطع نمودند. یک روحانی هم که باعث مرگ دختر بچه‌ای شده بود، توسط دیوان شرع محکوم گردید. مردان حاکم ریسمانی را از بینی وی رد کرده و او را به مانند شتر در شهر تاب دادند، تا اینکه بینی وی از جای کنده شد. این متهمان بعد از مجازات و قطع اندامی از بدنشان روی به سوی درمانگاه کنسولگری انگلیس می‌نهادند تا معالجه شوند. موردی را سراغ ندارم که اینها به جانب درمانگاه آستانه که ظاهراً باید به مداوای همه مردم از هر قشر و گروهی بپردازد روان شده باشند.»

بیماران بسیاری، نه تنها از مشهد بلکه از اطراف آن و حتی هرات، برای مداوا به درمانگاه کنسولگری انگلیس مراجعه می‌کردند. درمانگاه، یک پزشک جراح انگلیسی و یک دستیار هندی داشت و گاهی که پزشک انگلیسی نبود، دستیار هندی وظایف وی را انجام می‌داد (بیت، 1365: 309). درمانگاه داروخانه‌ای کوچک نیز داشت.

حاجی داود، سیاحی که در سال 1305 ش. / 1926 م. به شهر مشهد سفر کرده بود، در باره بیمارستان‌های مشهد نوشته است: «در شهر مشهد سه بیمارستان عمده وجود دارد؛ یکی از آنها که از بودجه آستان قدس اداره می‌شود، دارالشفای حضرت است که برای معالجه زائران و عموم است. بیمارستان دیگر، زیر نظر دولت بریتانیاست و

<sup>1</sup> آرشیو تاریخ شفاهی مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مصاحبه با دکتر جهانگیر فرخ. 1385/4/27.

یک دکتر زرتشتی به نام خانم دمری<sup>۱</sup> آن را اداره می‌کند. این بیمارستان روزانه سیصد بیمار را به‌طور مجانی معالجه می‌کند. علاوه بر این دو، بیمارستان میسیون آمریکایی نیز با اخذ پول به معالجه بیماران می‌پردازد. یک بیمارستان کوچک دیگر به نام شفاخانه منتصریه وجود دارد که زیر نظر دولت اداره می‌شود و معالجه آن مجانی است.» (حاجی داوود، ۱۳۷۶: ۶۷).

مراکز درمانی مشهود در سال ۱۳۰۵ ش. در خاطرات حاجی داوود زائری از بمبئی

ردیف	نام بیمارستان	مؤسس	نوع خدمات
۱	دارالشفای	آستان قدس	معالجه عموم و زوار
۲	بیمارستان بریتانیا	انگلستان	مداوای ۳۰۰ بیمار در روز
۳	بیمارستان میسیون آمریکایی	آمریکا	معالجه همراه با گرفتن ویزیت
۴	شفاخانه منتصریه	دولتی	معالجه و خدمات رایگان

به نوشته اسکراین، سرکنسول انگلیس در مشهد مقارن جنگ جهانی دوم، آخرین پزشک درمانگاه کنسولگری سرگرد رائو بود:

از جمله پست‌های دیگر که بر اثر جنگ در سرکنسولگری مشهد حذف شد، پست وابسته بهداشتی بود که معمولاً توسط یک کارمند انگلیسی یا هندی "سرویس بهداشتی هند" اداره می‌شد. آخرین وابسته بهداشتی، سرگرد رائو از جراحان نظامی بود که اندکی پس از ورود ما برای انجام وظائف حادثری راه جنوب را در پیش گرفت (اسکراین، بی تا: ۲۲۵).

<sup>۱</sup> Damry

اسکراین همچنین به کلینیک دامپزشکی در مشهد- که همسرش تأسیس کرده بود، اشاره کرده است: «زنم در محل استقرار سواران یک کلینیک دامپزشکی تشکیل داد و با کمک سوارانی که از سابق باقیمانده بودند به درمان سگ‌ها، گربه‌ها، الاغ‌ها، اسب‌ها و حتی شتران اشخاص بینوا پرداخت و این کارها را مجاناً و برای دل خوشی خود انجام می‌داد» (همان: 226).

دکتر محمد شاهین فر از دکتر ممتازعلی خان و داروسازی به نام مرسلین نام برده است که قبل از شهریور 1320 ش. در درمانگاه کنسولگری انگلستان کار می‌کردند. به نوشته او، در محدوده زمانی جنگ جهانی دوم فعالیت این درمانگاه به مداوای کارمندان کنسولگری محدود می‌شد (شاهین فر، 1382: 108).

### گزارش‌های بهداشتی

محتوای گزارش‌های بهداشتی کنسولگری انگلستان در مشهد شامل این موارد است:

#### الف) وضعیت بهداشتی

وضعیت مشهد در سال 1323 ق. / 1905 م. طبق گزارش سایکس سرکنسول انگلستان در مشهد چنین بیان شده است:

«در میان این خیابان (بالا خیابان و پایین خیابان) جوی آبی به پهنای یک و نیم متر جاری بود. آب این جوی از چشمه‌ها تأمین می‌شد، ولی کثیف بود و برای شست و شو و مقاصد دیگر به کار می‌رفت. خیابان ناهموار و فاقد سنگفرش بود. زمستان‌ها پر از برف، بهارها پر از گل و لای و تابستان‌ها پر از گرد و خاک بود و در دو سوی آن دکان‌هایی قرار داشت که زباله خود را در جوی می‌ریختند. بسیاری از زائران، که امید خود را به درمان پزشکان از دست داده بودند، به آستان امام پناه می‌بردند» و هنوز هم

پناه می‌برند. شماری دیگر مجاور می‌شدند تا پس از مرگ در جوار امام به خاک سپرده شوند. کاروان‌های ترسناک جنازه‌های مومیایی شده و متعفن را که در کفن پیچیده شده بود با خود حمل می‌کردند. هر شش جنازه بر پشت یک شتر قرار می‌گرفت تا در زمین مقدس به خاک سپرده شود (وین، ۱۳۸۳: ۱۵۹-۱۶۰).

### ب) اطلاعات در باره بیماری‌های شهر مشهد

از جمله مسائل بهداشتی مهم برای انگلستان، بررسی بیماری‌های شایع در نواحی مختلف بود. طاعون، وبا، تیفوس و آنفولانزا بارها گزارش شده است. ترس از شیوع طاعون موجب شد تا به این موضوع حتی در نواحی دورتر از مشهد هم توجه شود:

«در بیست و هشتم آوریل در شهر اعلام شد در روستایی واقع در بیست مایلی جنوب سرخس مرض طاعون شیوع یافته است. والی نظامی دستور داد کمیته محلی اقدامات لازم را برای جلوگیری از گسترش بیماری معمول دارد و به همین منظور یک قرنطینه و اردوگاه ویژه اقامت افراد بیمار بین راه مشهد به سرخس تأسیس شد. گفته می‌شود تاکنون بین ده تا یکصد نفر جان خود را از دست داده‌اند» (میرزا صالح، ۱۳۸۷: ۵۱).

دولت ایران هم برای جلوگیری از گسترش طاعون پزشکان حاذق را به نواحی مشکوک اعزام می‌کرد:

دکتر مسیح السلطنه که حدود چهارده سال پیش برای جلوگیری از گسترش طاعون و مداوای بیماران به سیستان آمده و به واسطه حسن خدمت موفق به دریافت نشان ویکتوریا شده بود قرار است به سرخس اعزام شود تا پس از بررسی علل بروز بیماری طاعون در آن منطقه گزارش لازم تهیه کند. دکتر در روز چهاردهم ژوئن به اتفاق خان صاحب ممتازعلی خان کمک جراح کنسولگری، مشهد را به قصد سرخس ترک کرد (همان: ۶۷).

خان صاحب ممتاز علی خان در بیست و هشتم ژوئن از سرخس به مشهد بازگشت و براساس گزارش، میان روزهای اول فوریه تا سوم ژوئن، یکصد و بیست نفر در آن قسمت از خاک ایران از بیماری طاعون به هلاکت رسیدند و تنها یک بیمار طاعون‌زده از مرگ جان به در برد (همان: 70). گزارش‌ها نشان می‌دهد که طی سال‌های 1300-1304 ش. علاوه بر طاعون، بیماری وبا نیز در نواحی مختلف خراسان، تا آن سوی مرزها در عشق‌آباد گسترش داشته است. کنسول ایران در عشق‌آباد، در سی ام ماه می گزارش داد که در آنجا وبا شیوع یافته و روزی 6 یا 7 نفر جان خود را از دست می‌دهند. پزشکی که برای رسیدگی به واقعیت، از قوچان به باجگیران اعزام شده این ادعا را رد کرد، اما به این قناعت نشد و پزشک دیگری برای تحقیق بیشتر گسیل گردید. در عین حال یک مرکز قرنطینه در مرز برقرار شده است. آقای حکیموف به من گفت اطلاعاتی در باره شیوع وبا در عشق‌آباد ندارد (همان: 358).

شیوع بیماری‌های واگیردار گوناگونی گزارش می‌شد؛ مثلاً روزنامه خراسان، در 13 خرداد 1302 ش. اعلام کرد که تیفوس در میان ترکمان‌های روسیه شیوع یافته و احتمال دارد که به اینجا هم سرایت کند (میرزا صالح، 1387: 488). شیوع بیماری‌های واگیردار موجب شد تا به گزارش‌های پزشکی توجه شود. در بهمن 1304 ش، پزشکانی که برای بررسی شیوع بیماری در ناحیه باخرز اعزام شده بودند، بیماری را تیفوس و مالاریا تشخیص دادند و تلفات را 700 نفر برآورد کردند (همان، 538).

چنانکه گسترش بیماری‌هایی همچون آنفلوآنزا نیز موجب از بین رفتن انبوهی از مردم مشهد شد و این موضوع در گزارش‌های کنسولگری انگلستان چنین منعکس شده است: آذرماه 1302، آنفلوآنزا در ظرف یک ماه گذشته به همه جا سرایت کرده است. می‌گویند چندان شدت ندارد، اما بسیاری از سالمندان و ضعفا جان خود را از دست

داده‌اند. حدس زده می‌شود که حدود ۵۰۰ نفر فقط در مشهد مرده باشند. بیماری اینک در حال فروکش کردن است (همان: ۵۲۴). و یا در گزارشی دیگر چنین آمده است: «بهمن ۱۳۰۴، بیماری آنفلوآنزا سراسر خاک خراسان را فرا گرفته که خوشبختانه نوع آن خیلی خطرناک نیست (همان، ۱۳۶۶: ۵۳۸).

### امراض عمومی

بنا بر گزارش‌های کنسول انگلیس، مهم‌ترین بیماری شایع در مشهد وبا بوده است. در سال‌های ۱۸۶۸، ۱۸۹۲ و ۱۹۰۴م. بیماری وبا در مشهد شیوع یافت، در سال ۱۸۹۳م. فروکش کرد و در حد فاصل این سال‌ها، شهر از این بیماری در امان بود. شیوع وبا در سال ۱۸۹۳م. که چندان وسیع نبود- حدود ۱۲۵ نفر را از میان برد، اما وبای سال ۱۹۰۴م. بیش از ۸۰۰۰ نفر از جمعیت ۸۰ هزار نفری شهر را به کام مرگ کشاند (خادمیان، ۱۳۸۰: ۹۶۳).

در وبای سال ۱۲۷۸ق. / ۱۸۶۲م. مشهد شمار تلفات به روزی ۱۰۰ تا ۱۲۰ نفر رسید. مرگ جلال الدوله، پسر شاه و حاکم خراسان، دولت را نسبت به وخامت اوضاع واقف ساخت. در پنجم اوت کاروان بزرگی شامل ۵۰۰۰ نفر زوار از مشهد به تهران رسید. با اینکه این جمعیت از محلی می‌آمد که وبا در آنجا شایع بود و تمام آنها به عامل این بیماری آلوده بودند، هیچ نوع اقدام احتیاطی قبل یا بعد از رسیدن آنها به تهران از طرف اولیای امور محلی به عمل نیامد. در نتیجه در هفتم همان ماه وبا در تهران و در محله‌های فقیر نشین شهر منتشر شد (الگود، ۲۵۳۶: ۵۶۸). اعتمادالسلطنه در ذی القعدة ۱۳۰۹ق. / ۱۸۹۲م. در باره گسترش وبا در مشهد نوشته است:

امروز شنیدم وبا در مشهد مقدس روزی هفتاد - هشتاد نفر را تلف می‌کند. ده روز دیگر یقین در اردو خواهد بود. ممکن بود با مبلغ کمی مخارج قرانتین بگذارند. شاید این مرض به جای دیگر سرایت نکند؛ اما کی حکم بکند و کی بشنود (اعتمادالسلطنه، 2536: 823).

در سندی دیگر وجود بیماری وبا در سال 1335 ق. / 1917 م. در مشهد و بعضی از شهرها چنین گزارش شده است:

به ملاحظه بروز مرض کلرا در شهر مشهد و در بعضی از شهرهای عرض راه الی سمنان برای محافظه سایر نقاط و پایتخت از طرف مجلس حفظ الصحة دولتی در ده نمک تأسیس کرنطین و معاینه طبی می‌شود و دکتر ابوالقاسم خان و دکتر جانایتان مأمور این خدمت هستند (شمس اردکانی، 1389: 244).

کنسولگری انگلستان در مشهد، ضمن تلگرافی به پزشک کنسولگری انگلیس در کرمان بر این موضوع تأکید کرده است:

ناخوشی وبا در کمال سختی در مشهد سه روز است بروز کرده است، به طوری که نصف از مبتلادگان تلف می‌شوند. چون مسافرین کرمان به خراسان و خراسان به کرمان زیاد هستند به طوری که همه روزه عدّه زیادی چه مسافر چه کاروان مال التجاره از این خط عبور می‌کنند و هر وقت مرض وبا در مشهد بروز کرده است. پس از چند روز به کرمان سرایت کرده است، علی هذا برای اینکه فوری جلوگیری شود روز گذشته دایره حفظ الصحة ایالتی را منعقد و با حضور اطبا و دکتر انگلیس ترتیب قرانطین برای آن خط داده شد که در دربند که اول خاک کرمان است گذارده شود و بیست نفر سواره هم برای به افق میانه راه خراسان و یزد و کرمان معین شد و فردا حرکت خواهند کرد؛ و در

هر ماه دویست و شصت و چهار تومان مخارج آنها به ترتیب ذیل تصویب گردید: طبیب روزی دو تومان... (روستایی، ۱۳۸۲: ۳۶۵-۳۶۶).

در جدول زیر، شیوع دیگر بیماری‌ها در شهر مشهد بر اساس گزارش‌های کنسولگری انگلیس آمده است. (خادمیان، ۱۳۸۰: ۹۶۴).

ردیف	نام بیماری	شرح گزارش یا علت شیوع
1	طاعون	بیماری طاعون هم در طی دویست سال گذشته به تناوب در خراسان و مشهد شیوع یافته است. شیوع کمتری نیز در سال‌های ۱۸۳۱، ۱۸۷۷، ۱۸۸۲، ۱۸۸۷م. در ایالت خراسان و اطراف مشهد شایع شده است.
2	آبله	بیماری آبله تقریباً همیشه در مشهد هست و گاهی دامنه آن گسترش می‌یابد و زمانی نیز به صورت عمومی بروز می‌کند. تزریق واکسن ضد آبله در بین مردم معمول است، اما تزریق واکسن لنف گاوی نزد طبقات اجتماعی بالاتر شناخته شده است و فقط پزشکان اروپایی تجویز می‌کنند.
3	آنفلوآنزا	آنفلوآنزا در سال ۱۸۸۹م. و دوباره در اکتبر ۱۸۹۱م. شیوع یافت و یک بار دیگر در سال ۱۸۹۱م. نیز در شهر شایع شد. همچنین نوبتی دیگر در سال ۱۸۹۱م. در شهر شیوع یافت که هم‌زمان با خراسان به اروپا هم سرایت کرد. اپیدمی‌های خفیف به تناوب در حد فاصل سال‌های سخت شایع می‌شود و چنین به نظر می‌رسد که بیماری همیشه در شهر حضور دارد.
4	سرخک، سیاه سرفه و گوشک	این بیماری‌ها در تمام فصول سال مخصوصاً در فصل بهار شایع می‌شود. گاهی نیز گلودرد در شهر و اطراف آن به شدت شیوع می‌یابد. این بیماری به صورت بیماری داخلی بادسرخ یا آنزین، که امروزه در انگلیس به وفور دیده می‌شود، ظهور می‌کند، اما هرگز به



		<p>صورت غشاء کاذب (false membrane) ظاهر نمی‌شود. دامنه آن به سرعت گسترش می‌یابد و موجب مرگ و میر زیاد مخصوصاً در اوایل شیوع اپیدمیک آن می‌گردد. گفته می‌شود این بیماری برای اولین بار در سال 1884م. از کرمان به خراسان سرایت کرد.</p>
5	دیفتری بیماری‌های پوستی	<p>دامنه آن به کارگرانی که با پشم خام سر و کار دارند، محدود می‌شود. این بیماری نزد طبقات کارگری مشهد مشاهده گردیده، اما موارد شدید آن بین کارگران اطراف مرز افغانستان بیشتر شیوع دارد. این افراد به ارزش داغ کردن محل عفونت با استفاده از نوعی پماد، که از پودر باروت مرطوب تهیه می‌شود و پس از مالیدن آن روی زخم و آتش زدن آن انجام می‌گیرد، پی برده‌اند.</p>
6	حصبه	<p>تقریباً به طور مستمر مواردی از شیوع حصبه در شهر دیده می‌شود. اطبای محلی غالباً این بیماری را با تب‌هایی که در فصل تابستان یا پاییز به وجود می‌آید و گاهی نیز کشنده است، اشتباه می‌کنند. این حکیم‌ها (پزشکان سنتی) همیشه از تب‌هایی (enteric) به نام تیفوس یاد می‌کنند.</p>
7	مالاریا	<p>مالاریا از بیماری‌های بسیار شایع است و نوع آن معمولاً از تب یک روز در میان، سه روز یک بار و چهار روز یک بار است که غالباً در فصول بهار و پاییز ظهور می‌کند.</p>
8	بیماری‌های گوارشی	<p>به علت بی‌توجهی به کیفیت آب آشامیدنی، مسائلی از قبیل انگل‌های روده‌ای در بین عامه مردم وجود دارد. کرم‌های گرد و دراز در بسیاری از بیمارانی که به درمانگاه مراجعه می‌کنند، به چشم می‌خورد و در کنار آن، کرم کدو هم با وسعت کمتری دیده می‌شود.</p>
9	بیماری‌های قلبی	<p>بیماری‌های قلبی به اعتیاد این افراد به انواع عادات طبیعتاً مضر، نظیر نوشیدن چای، کشیدن بیش از اندازه سیگار، کشیدن و خوردن تریاک مربوط می‌شود.</p>

بیماری‌های ریوی	10	عوارض مربوط به بیماری‌های ریوی و تنفسی هم در بین مردم مخصوصاً در خردسالان و سالمندان دیده می‌شود.
بیماری‌های مقاربتی	11	این نوع بیماری‌ها به شدت رواج دارد.
سیفلیس	12	سیفلیس در بین بربری‌ها از سایر اقشار جامعه فراوان‌تر است. هیچگونه مراقبتی از بیماران مبتلا به سیفلیس به عمل نمی‌آید؛ بنابراین، موارد تلقیح واکسن این بیماری‌ها چندان زیاد نیست.
بیماری‌های چشم	13	بیماری‌های چشم، از نوعی که به بیماری‌های سیفلیس مربوط می‌شود، هنوز هم به فراوانی دیده می‌شود. ابتلا به بیماری‌های پلک و قسمت‌های خارجی چشم نظیر تراخیم و ورم ملتحمه معمولی همراه با عوارض جنبی آن، که معلول کثافات و غفلت و یا عوارض ناشی از آبله است، به وفور مشاهده می‌شود.
بیماری سل	14	انواع مختلف بیماری سل به وفور مشاهده می‌شود. بیماری سل، یکی از بیماری‌های شایع در شهر است که از انواع مختلف آن به نام سل غدد مترشحه، سل استخوان و سل مفاصل می‌توان نام برد.
سنگ مثانه	15	موارد فراوانی از سنگ مثانه در بیمارانی که برای معالجه به بیمارستان‌های انگلیسی مراجعه می‌کنند، گزارش شده است.

### ج) بیماری‌های رجال و شخصیت‌های حکومتی

بخشی از اطلاعات مندرج در گزارش‌های کنسولگری به برخی از رجال و شخصیت‌ها و نوع بیماری آنها مربوط می‌شود:

«سرگرد برونیکوفسکی رئیس پلیس هفته‌ها به خاطر ابتلاء به بیماری حصبه در بیمارستان نظامی بستری بود (میرزا صالح، ۱۳۶۶: ۴۲).» در گزارشی دیگر به بیماری قلبی یکی از کارمندان کنسولگری انگلستان اشاره شده است: «سوم اردیبهشت ۱۳۰۰

خان بهادر سید مبارک علی شاه وابسته سابق هندی این کنسولگری در 20 آوریل از ناخوشی قلب در گذشت» (همان، 1387: 364)؛ بنابر گزارشی دیگر: «28 اسفند 1300، شفی الدین (مهاجر) که با حال وخیم از تهران آمد به بیمارستان کنسولگری برده شد. شفی الدین پس از بهبودی تا ورود سرکنسول افغانستان اینجا ماند» (همان: 342).

هر آنچه پیرامون نوع بیماری رجال آمده است، نشان می‌دهد که کنسولگری در گزارش به مرکز به جزئیات توجه داشت؛ به طور مثال: «مؤتمن السلطنه در روز 17 تیر 1302 / 5 ژوئیه 1923 از تهران وارد مشهد گردید. او به سمت کارگزار خراسان گمارده نشده است. روایت بیماری مؤتمن السلطنه صحت دارد» (همان: 497)؛ و یا گزارشی مبنی بر اینکه، علی اکبر صدرالاطباء پزشک درمانگاه مشهد در دی ماه 1302 / 18 دسامبر 1923 درگذشت (همان: 528). این روایت‌ها نشان از دقت در نگارش گزارش‌ها و توجه سرکنسول‌های مشهد به پزشکی و بهداشت عمومی دارد.

#### د) فعالیت‌های بهداشتی روس‌ها

در بخشی از گزارش‌ها، به فعالیت مهاجران روسی و فعالیت پزشکان روس اشاره شده است. از جمله اینکه یک یهودی روسی به نام استرانکن که سال‌ها در مشهد دواخانه داشت، در دی ماه 1300 خودکشی کرد (همان: 287)؛ و یا گزارشی در این خصوص که «در 23 مهر 1301 یک پزشک روس به نام نیکالای پاولوویچ زنامینسکی از سبزوآر به مشهد آمد و قصد دارد در اینجا به طبابت بپردازد. او از آقای حکیموف تقاضا کرده که او را به سمت پزشک مأمور سرکنسولگری منصوب کند» (همان: 430). کنسولگری انگلستان در گزارشی، 18 دی ماه 1300 را زمان بازگشایی مجدد

بیمارستان شوروی در مشهد اعلام کرده است، زیرا این بیمارستان مدتی پس از افتتاح تعطیل شده بود (همان، ۱۳۶۶: ۲۳۹).

توافق‌های بازرگانی از دیگر مواردی است که بخشی از گزارش سرکنسول‌ها بدان اختصاص یافته است: در ۶ خرداد ۱۳۰۲ روزنامهٔ فکر آزاد از توافق بازرگانی ایران و روسیه خبر داده است که بر اساس آن، اقلامی چون دارو و تجهیزات پزشکی به طور آزاد از روسیه به ایران وارد خواهد شد (همان: ۴۸۵).

#### ه) ارائه اطلاعات پیرامون پزشکان بیمارستان آمریکایی مشهد

همچنین بخشی از گزارش‌های کنسولگری انگلستان در مشهد به پزشکان آمریکایی و فعالیت آنها اختصاص دارد؛ مثلاً در بارهٔ دکتر هافمن مبلغ مذهبی تبعهٔ آمریکا در مشهد (همان: ۵۱):

۱۷ اردیبهشت ۱۳۰۱، دکتر ار. هافمن عضو میسیون آمریکایی در ۲ ماه مه برای کمک به دکتر اچ. لیچتواردت مشهد را به قصد تربت حیدریه ترک گفت. دکتر لیچتواردت حدود سه هفته پیش به تربت حیدریه رفت و یک داروخانه موقتی باز کرد که می‌دانم با استقبال فراوان مواجه شد. عالیجناب دابلیو. میلار نیز از نیشابور به تربت حیدریه رفته است (همان: ۳۷۱).

فعالیت‌های پزشکان آمریکایی به دقت رصد می‌شد؛ حتی ورود و خروج پزشکان آنها را ثبت می‌کردند: «۲۱ خرداد ۱۳۰۱، دکتر میلار و دکتر هافمن اعضای میسیون آمریکایی از تربت حیدریه به مشهد آمدند» (همان: ۳۸۶). از جمله مسائلی که موجب می‌شد پزشکان آمریکایی فعالیت در نقاط مختلف خراسان را گسترش دهند، وقوع بلاهای طبیعی همچون زلزله بوده است: «۱۳ خرداد ۱۳۰۲، تعداد کشته شدگان در زلزله تربت ۲۲۱۹ نفر و زخمی‌ها ۱۷۰ نفر گزارش شده است. در میان زخمی‌ها ۵۰ نفر احتیاج مبرم

به مداوا در بیمارستان دارند» (میرزا صالح، 1387: 488). بنا بر این «مسیون آمریکایی در مشهد تقاضای کمک از تشکیلاتش می‌کند.» در 19 تیر 1302 مسیون مذهبی آمریکایی در مشهد برای یاری رساندن به زلزله زدگان مبلغ 5000 دلار از تشکیلات مرکزی خود دریافت کرد (میرزا صالح، 1387: 495). در دی ماه 1304 ش. ساختمان جدید بیمارستان آمریکایی در مشهد افتتاح شده است و کنسول انگلستان گزارش آن را چنین آورده است: مسیون مذهبی آمریکاییان در مشهد با صدور دعوتنامه‌ عمومی از مردم خواسته است در روزهای 6 و 7 و 8 ژانویه 1925 از بیمارستان جدید آن‌ها بازدید کنند. ساختمان این بیمارستان از بهترین بناهای موجود در ایران است (همان: 533).

#### (و) داروخانه‌ها

بخشی از این گزارش‌ها به شمار داروخانه‌های مشهد اختصاص دارد: «چهار باب داروخانه عمده در مشهد وجود دارد، که نسخه‌های بیماران را می‌پچند، اما داروخانه‌داران فقط نسخه‌های پزشکی سنتی را می‌شناسند و هیچ‌گونه آشنایی با نسخه‌های پزشکان اروپایی ندارند. تعداد زیادی توزیع کننده جزء داروهای اروپایی هم مشغول توزیع دارو هستند که نام داروها را می‌دانند و اطلاعات مختصری از فواید داروهای موجود دارند. بر پایه همین اطلاعات جزئی با بی‌پروایی به معاینه و تشخیص و معالجه بیماری‌های مزمن افرادی می‌پرداختند که از روی ناآگاهی به آنها مراجعه می‌کردند» (خادمیان، 1380: 965).

#### نتیجه

هر چند تأسیس کنسولگری انگلستان در مشهد بر اساس منافع امپراتوری بریتانیا بود، اما با مرور گزارش‌ها و فعالیت‌های درمانگاه کنسولگری درمی‌یابیم که بیماران شهر مشهد از حضور پزشکان انگلیسی بهره می‌بردند و ایجاد این درمانگاه در گذر از پزشکی

سنتی به پزشکی مدرن نقش بسزا داشت. گزارش‌ها نشان می‌دهد که مأموران انگلیسی به هر گونه بیماری توجه می‌کردند و راهکارهایی برای جلوگیری از گسترش امراض ارائه می‌دادند. آشکار است که حضور جراحان و پزشکان انگلیسی که به صورت آکادمیک علم پزشکی را فراگرفته بودند، در بهبود و گسترش بهداشت و پزشکی مشهود نتیجه بخش بود. پزشکان انگلیسی در نقاط مختلف به کار مداوم پرداختند و توانستند تا حدی مردم را با بیماری‌هایی مانند وبا، طاعون و تیفوس آشنا کنند و از گسترش آن بیماری‌ها جلوگیری نمایند. فرجام سخن آنکه، اقدامات پزشکی کنسولگری انگلستان موجب شد به مرور زمان زمینه‌های آشنایی با پزشکی نوین در مشهد فراهم شود.

## منابع و مأخذ

## اسناد:

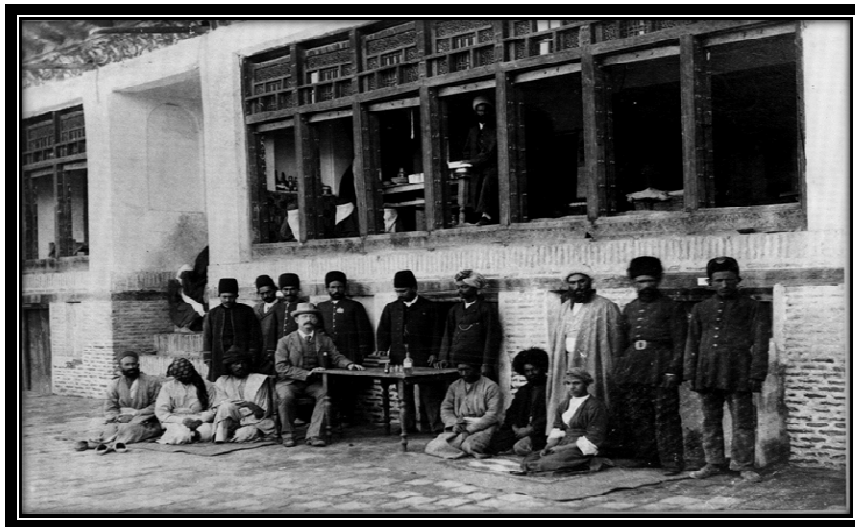
آرشیو مدیریت امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، سند شماره، 53174/2.  
آرشیو تاریخ شفاهی مرکز اسناد آستان قدس رضوی. مصاحبه با دکتر جهانگیر فرخ. 1385/4/27.

## کتاب‌ها:

اخوان توکلی، فرناز (1386) **گاهشمار روابط ایران و انگلیس**، تهران: وزارت امور خارجه.  
اسکراین، سرکلارمونت [بی تا] **جنگ جهانی در ایران**، ترجمه: غلامحسین صالحیار، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اطلاعات.  
اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (2536) **روزنامه خاطرات**، به کوشش: ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.  
حاجی داوود (1376) **سفرنامه حاجی داوود** (زائری از بمبئی به مشهد 1305 ش./1926 م.) ترجمه: حسین رئیس السادات، مشهد: آستان قدس رضوی.  
خادمیان، کاظم (1380) **فرهنگ جغرافیایی ایران، خراسان**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. دهخدا، علی اکبر (1371) **لغت نامه دهخدا**، تهران: دانشگاه تهران.  
رابینو، لویی (1363) **دیپلمات‌ها و کنسول‌های ایران و انگلیس و...** ترجمه: غلامحسین میرزا صالح، تهران: نشر تاریخ ایران.  
رایت، سردنيس (1383) **انگلیسیان در ایران**، ترجمه: غلامحسین صدری افشار، تهران: اختران.  
سعید، ادوارد (1377) **شرق شناسی**، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.  
شاهین فر، محمد (1382) **خاطرات پزشکی در مشهد**، مشهد: سنبله.  
شمس اردکانی، محمد رضا و دیگران (1389) **روند تحول پزشکی نوین ایران**، از دارالفنون تا تأسیس دانشگاه تهران، تهران: چوگان.  
فوریه، ژوانس (1388) **سه سال در دربار: خاطرات دکتر فوریه پزشک ویژه ناصرالدین شاه قاجار**، ترجمه: عباس اقبال آشتیانی، تهران: نوین.  
گروته، هوگو (1369) **سفرنامه گروته**، ترجمه: مجید جلیوند رضایی. تهران: نشر مرکز.  
گنج بخش زمانی، محسن "تحولات بهداشتی در اواخر دوره قاجاریه (به روایت اسناد)"، فصلنامه تاریخ پزشکی، بهار 1389، سال دوم، شماره دوم.

- الگود، سیریل (۲۵۳۶)، تاریخ پزشکی در ایران و سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه: باهر فرقانی، تهران: امیرکبیر.
- محمدی، ذکراالله و قدرت محمدی، "ریشه یابی علل حضور پزشکان انگلیسی در ایران عصر قاجار و نقش آن ها در مسائل سیاسی، اجتماعی، دینی و علمی آن زمان"، فصلنامه تاریخ روابط خارجی. بهار و تابستان ۱۳۸۸، شماره ۳۹ و ۳۸.
- متولی حقیقی، یوسف، "نارضایتی مردم از تأسیس کنسولگری های روسیه و انگلیس در مشهد دوره ناصری خراسان"، روزنامه خراسان دوشنبه ۱۳۹۰/۳/۱۶.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۶۶)، جنبش کلنل محمدتقی خان پسیان بنا بر گزارش های کنسولگری انگلیس در مشهد، تهران: نشر تاریخ ایران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری های انگلیس، تهران: نگاه معاصر.
- نامجوی نیک، خسرو (۱۳۸۸)، تاریخچه طب نظامی از دوران ایران باستان تا پایان هشت سال دفاع مقدس، تهران: ایران سبز.
- نورائی، مرتضی (۱۳۸۶)، نقش کارگزاری های داخلی وزارت امور خارجه در روابط ایران و بریتانی (۱۸۹۰-۱۹۲۸ م./۱۳۴۶-۱۳۰۸ ق.). تهران: وزارت امور خارجه.
- ویلس، چالز جیمز (۱۳۶۳)، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ترجمه: سید عبدالله، به کوشش: جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، تهران: زرین
- وین، آنتونی (۱۳۸۳)، ایران در بازی بزرگ، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: پیکان.
- هاشمیان، احمد، "پزشکان خارجی زمان ناصرالدین شاه در ایران (۱۳۱۷-۱۲۴۷ ق.)" گنجینه اسناد. شماره ۵۶. زمستان ۱۳۸۳.
- ییت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵)، سفرنامه خراسان و سیستان، شرح سفر کلنل ییت به ایران و افغانستان در روزگار ناصرالدین شاه، ترجمه: قدرت الله روشنی، زعفرانلو و مهرداد رهبر، تهران: انتشارات یزدان.

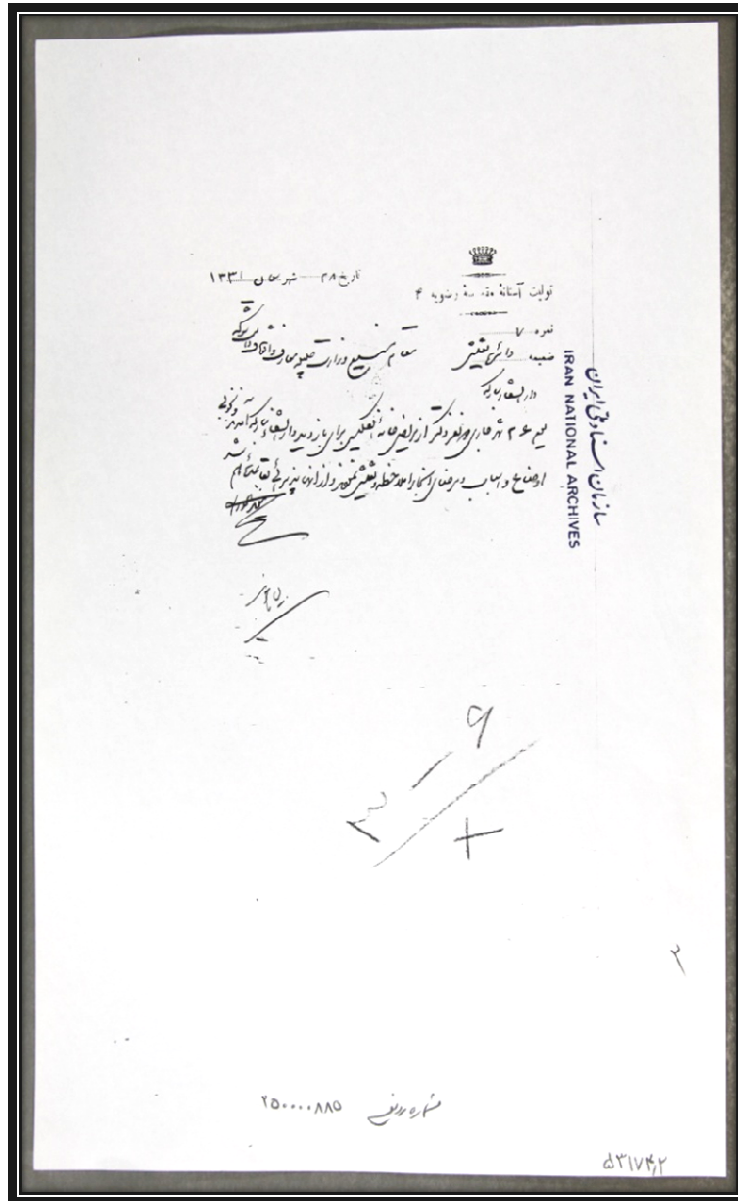




درمانگاه کنسولگری انگلستان در مشهد، عکس از عبدالله قاجار



درمانگاه کنسولگری انگلستان در مشهد (ص 458، سفرنامه خراسان و سیستان)



بازدید پزشکان مریض خانه انگلیس از دارالشفاء مبارکه